

بازی های چرچیل برای عقب انداختن تصمیمات کنفرانس تهران

هفت دسامبر سال 1943 پیامی در مسکو دریافت شد که توسط روزولت و چرچیل امضا شده و مشتمل بر اقداماتی بود که به تدارک ورود انگلیس و امریکا در اروپای غربی و دیگر عملیات علیه آلمان هیتلری مربوط می شد. پیام حاکی از آن بود که برای مختل کردن سیستم نظامی، اقتصادی و صنعتی آلمان، انهدام نیروی هوایی آلمان و تدارک عملیات عبور از لامانش بیشترین اولویت سوق الجیشی را دارد. در پیام گفته می شد که مطابق موافقت تهران از دامنه عملیات ماه مارس در خلیج بنگال کاسته خواهد شد تا بتوان وسائل پیاده کردن نیرو در جنوب فرانسه را تقویت کرد. همچنین به اطلاع می رسید که قرار است بر تولید وسائل پیاده کردن نیرو در ایالات متحده امریکا و انگلستان افزوده شود تا گشایش جبهه اورلرد تقویت گردد.

اصولا چرچیل و روزولت در مورد اینکه نباید گذاشت نیروی شوروی بسوی غرب فراتر از خط معین پیشروی کند وحدت نظر داشتند. اختلاف نظر دو رهبر تنها در نحوه رسیدن به این هدف بود. چرچیل همچنان شیفته نقشه عملیات بالکان بود که به انگلیس و امریکا امکان ورود به بلغارستان، رومانی و اتریش را می داد. روزولت ترجیح می داد هرچه زودتر دراروپای غربی نیرو پیاده شود.

چرچیل در راه بازگشت از تهران به امریکا مبتلا به ذات الریه شده و چند هفته بستری شد. سپس او را برای معالجه به مراکش بردند. او در این فرصت نقشه های جدیدی برای فلج کردن تصمیمات کنفرانس تهران کشید و بار دیگر نقشه جبهه "نرماندی" را پیش کشید.

چرچیل در راه مراکش به رئیس جمهور امریکا با تلگراف پیشنهاد کرد عملیات "اورلرد" سه چهار هفته به تعویق انداخته شود تا بتوان از وسائل پیاده کردن نیرو در منطقه دریای اژه و جزیره رودوس برای پیشروی در بالکان استفاده کرد. رئیس جمهوری امریکا در پاسخی که 28 دسامبر بدست چرچیل رسید نوشت:

- اورلرد همچنان عمده ترین عملیات باقی می ماند و در موعد پیش بینی و توافق شده در قاهره و تهران انجام خواهد شد. همه تدابیر ممکن اتخاذ گردیده تا از هرگونه تاثیر در "اورلرد" و تدارک آن جلوگیری شود. برای این منظور 12 ناو مربوط به عملیات اورلرد "مطابق زمان تعیین شده اعزام خواهد شد و 15 ناو دیگر که قرار است 14 ژانویه به دریای مدیترانه وارد شود مستقیما به پادشاهی بریتانیا خواهند رفت. به عقیده من موضوع "رودوس" و منطقه دریای اژه باید به بعد موکول شود و ما اکنون نمی توانیم با تفصیل بیشتر مسئله پیاده کردن نیرو در رودوس را قبل از انجام عملیات "انویل" بررسی کنیم. ("انویل" نام رمز عملیات پیاده کردن نیرو در ریویر واقع در کرانه جنوبی فرانسه بود). به خاطر توافق نظر حاصل شده میان شوروی، بریتانیا و امریکا در تهران من نمیتوانم بدون موافقت استالین باهیچگونه استفاده از نیرو و یا وسائل در یک جای دیگر موافقت کنم، زیرا این امر ممکن است باعث تاخیر یا زیان در عملیات "اورلرد" یا "انویل" شود.

چرچیل از این پاسخ راضی نبود. روزولت روی توافق نظر حاصل شده در تهران، در موعد مقرر پافشاری می کرد. با وجود این، نخست وزیر بریتانیا به بعضی از هدف هایش رسیده بود. امریکائی ها موافقت کردند شماری از ناوها را برای پیاده کردن نیرو در دریای مدیترانه معطل کنند. این امر گسترش عملیات در دریای اژه را ممکن می ساخت. نخست

وزیر در یادداشت های خود نوشت: " تلگراف رئیس جمهور عالی بود... مادام که همه چیز خوب پیش می رود من راضی ام."

روز بعد، 29 دسامبر چرچیل پیام زیر را برای روسای ستاد ارتش بریتانیا فرستاد: " من در مورد این مسئله (تاریخ "اورلرد") برپایه موافقت تهران کاملاً مبارزه می کنم. طبق این تصمیم، تاریخ 20 ماه مه بهتر از 5 مه است و این در حقیقت زمانی کاملاً جدید است. موافقت ما با استالین حتی با تاخیر الی 31 ماه مه انجام شده تلقی خواهد شد. از تلگراف ایزنهاور اینگونه برداشت کرده ام که 3 ژوئن که با حالت ماه مطابقت دارد، کاملاً امکان پذیر است. بویژه اگر فرماندهان تازه تعیین شده برای انجام این عملیات، این را درخواست کنند. اکنون لزومی ندارد این موضوع مورد بحث قرارگیرد ولی باید آن را در نظر داشت. دو نقشه احتمالی تدارک عملیات را بترتیب، یکی برای 5 مه و دیگری برای 3 ژوئن ارائه دهید. تکرار می کنم، این موضوع از نظر تاخیر عمل قابل بحث نیست و نباید بیرون از محفل ما پخش شود.

در همان روز چرچیل جواب مطلوب را از روسای ستاد گرفت. آنها در پاسخ نوشتند: " برای انجام شرایط نقشه تهیه شده توسط فرماندهان کنونی "اورلرد" عملیات باید قریب 5 ماه مه صورت گیرد. لیکن در این تاریخ با توجه به تاخیری که ممکن است در رسیدن ناوهای مخصوص برای پیاده کردن نیرو پیش بیاید را نمی شود یک تاریخ قطعی دانست. این امر یک روز دیگر را در ماه مه برای انجام "اورلرد" محتمل می سازد... اما برنامه در واقع بسیار فشرده است. چنین بنظر می رسد که هیچ تخلفی از موافقت تهران صورت نخواهد گرفت و ما فکر نمی کنیم که در مرحله کنونی احتیاج به مشورت با روس ها باشد."

در واقع، چنان که می بینیم، مطلب بر سر به تعویق انداختن افتتاح جبهه دوم بود. لیکن چرچیل می خواست خودسرانه، بدون اطلاع طرف شوروی هدفش را عملی کند. 16 آوریل 1944 وقتی تاریخ توافق نظر شده در تهران برای پیاده کردن نیرو در نرماندی نزدیک شده بود، نخست وزیر از ژنرال مارشال دعوت کرد در حمله در ایتالیا عجله کند. او عملیات "اورلرد" و "انوپل" را بدست فراموشی سپرده بود!

چرچیل با تظاهر به احساسات اعلام می کرد که تعرض باید "از جان و دل صورت گیرد" و "به پیروزی کامل و یا شکست" بیانجامد. در آن دوره چرچیل به دفعات از بابت مقاومت هیتلری ها در برابر نیروی متعرض انگلیس و آمریکا در ایتالیا اظهار تاسف کرد. او انتظار داشت که فرماندهی آلمان "بگذار" متحدین غربی بلامانع در ایتالیا پیشروی کنند، تا، قبل از رسیدن نیروی شوروی به بالکان راه یابند.

چرچیل در یادداشت های خود نوشت: " به احتمال قوی تا 31 ماه مه چیزهای زیادی که هنوز از ما پوشیده است آشکار خواهد شد. من متاسف می شدم اگر این فرصت را از دست می دادم."

یک حادثه، گویا مربوط به نقشه های چرچیل در مورد شرکت دادن ترکیه در جنگ بود. حتی در اولین اجلاس عمومی کنفرانس تهران نیز او اعلام کرده بود که باید ترکیه را واداشت هرچه زودتر به متحدین بپیوندد. در طول اجلاس، نخست وزیر بریتانیا چند بار این فکر خود را تکرار کرد و بالاخره روزولت و استالین موافقت کردند که "باید سعی کرد ترکیه وارد جنگ شود". این امر چرچیل را امیدوار ساخت و در اجلاس عمومی بعدی شروع کرد به استدلال بر این مبنا که اگر چه ورود ترکیه به جنگ لازم خواهد شد تا به این کشور کمک رسانده شود ولی این امر مستلزم اعزام نیروی مهم انگلیس و آمریکا نخواهد بود. چرچیل گفت: " ما در نظر داریم حداکثر دو سه لشکر به منطقه ترکیه بفرستیم و بعداً 20 واحد نیروی هوایی نیز اضافه کنیم. روزولت از این پیشنهاد پشتیبانی کرد. در نتیجه، توافق نظر شد که چرچیل با رهبران ترکیه گفتگو و نتیجه را گزارش کند. وی براین عقیده بود که اگر ترکیه وارد جنگ شود و به نیروی آلمان در یونان و بلغارستان حمله کند ممکن است کار

به آنجا بکشد که لندن و واشنگتن مجبور شوند نیروی قابل ملاحظه ای را برای نجات ترکیه اعزام کنند و این امر عملیات "اورلرد" را قابل تردید خواهد کرد!

"لرد موران" پزشک شخصی چرچیل که همراه وی به تهران رفته و کنار بستر نخست وزیر هنگام مریضی اش در قاهره و مراکش کشیک می داد، گواهی داد: "بعقیده نخست وزیر، فوادی که متحدین غربی از ورود ترکیه به جنگ بدست خواهند آورد بسیار با ارزش است. او میداند که فقط این امر می تواند افتتاح جبهه دوم در فرانسه را به تاخیر اندازد. او احساس می کند که این موضوع جز اکنون، هیچگاه روشن نخواهد شد... او مصمم است برای آخرین بار کوشش کند و ترک ها را متقاعد سازد. او با رئیس جمهوری "اینونو" یک دیدار خصوصی انجام خواهد داد. آنها نباید این فرصت را از دست بدهند."

اما چرچیل نتوانست ترکیه را برای ورود به جنگ تشویق کند. همچنان امید چرچیل به اینکه فرماندهی هیتلری راه بالکان را از طریق ایتالیان به روی متحدین غربی باز کند برآورده نشد.

مطابق تصمیمات تهران طرف شوروی به تدارک تعرض آینده علیه نیروی هیتلری اقدام کرد. 26 ماه مه رئیس دولت شوروی باطلاع چرچیل رساند که فرماندهی شوروی عملیات جدید گسترده ای را برای تقویت "اورلرد" تدارک می بیند. 6 ژوئن 1944 عملیات "اورلرد" آغاز گردید.